موجودات ماوراءالطبیعه

شاید به جرات بتوان بحث،در وادی موجودات ماوراءالطبیعه رابه قدمت تاریخ بشری دانست ،چه در میان عوام و چه در میان روشنفکران دانش پژوهان و محققین هر عصر. از این رو بعد از گذشت قرنها این بحث هنوز هم به همان تازگی دنبال شده و چنانچه وقتی نو شته‌ای،گفتگویی، داستانی و یا حتی فیلمی درمورد آن تهیه می شود از استقبال عموم برخوردار می گردد، چرا که بشر همیشه تشنه برداشتن حجاب از مستورهای پیرامون خویش است، تا بتواند حس غریزی کنجکاوی خود را نسبت به این موجودات،به طریقی تسکین بخشد . شا ید یک وجه اشتراک را بتوان در میان عوام و روشنفکران ودانشمندان یافت و آن شک و تردید نسبت به واقعیت و جودی آنان است ؛

چراکه حتی سیر تکاملی علم در قاره اروپا و امریکا هم نتوانسته آن را از محالات بداند وعلاوه بر همه پیشرفتهای علوم بشری هیچ راه حل علمی برا ی پی بردن به چگونگی این موجودات عنوان نشده و همه چیز مانند ازل د ر شک و ترد ید است . اما د ر جهان بینی اسلا می همه چیز زیبا و بجا آفریده شده است،حتی موجود ماوراءالطبیعه‌ای با نام «جن»، موجودی که حتی برخی ازمسلمانان، روشنفکران ودانش پژوهان درزمینه دینی یا به دیده شک و تردید در آن نگریسته ، و یا سکو ت کرده اند.

جن یک واقعیت است یا افسانه

در میان انسانها بر سر خلقت نظام عالم دو دیدگاه کلی وجود دارد، عده ای که همه چیز را ناشی از خلقت ذات الهی می دانند و گروهی دیگر که سرمنشا خلقت نظام عالم را در طبیعت جستجو می کنند. اگرچه میان آنان اختلاف نظرها بسیار عمیق و اساسی است، ولی هیچ یک از این دو گروه نتوانسته اند وجود موجودات ماوراؤالطبیعه را انکار کنند. آنهایی که خداباورند و به روح و معاد معتقدند(غیر از مسلمانان) از آنها به عنوان ارواح خبیثه و یا ارواح شریر و یا شیطان یاد می کنند، برخی هم آنها را موجودات فضایی قلمداد می کنند، مادیون هم که اعتقادی به ذات الهی و قدرت پروردگار ندارند، این موجودات را همان انسانهای اولیه ای می دانند که در سیر تکامل بین انسان و میمون حیران مانده و به شکل و شمایل غریب درآمده اند ویا حتی برخی از آنان معتقدند که اینان انسانهای وحشی و بدوی در اعماق جنگل هستند و گاهی خود را نمایان ساخته و موجب اذیت و آزار انسانهای متمدن می شوند.و اما مسلمانان : بنا به نص صریح قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می شوند:

۱ـ جمادات ۲ـ نباتات۳ـ حیوانات؛که یا دارای عقلند مانند انسان، فرشتگان و جنیان و یا فاقد عقل و شعورند مانند حیوانات و باز بنا به آیات نورانی قرآن کریم، باید بدانیم که بدون هیچ شک و تردیدی موجودی با نام «جن» در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرارگرفته و مشابه انسان می باشد، چرا که،

۱ـ سی و چهار بار نام جن در قرآن کریم آورده شده است.

۲ـ هفتاد و دومین سوره قرآن با نام این وجود مزین گردیده است.

۳ـ احادیث و روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امامان و بزرگان علوم دینی در این خصوص، موجود بوده و در دسترس قرار دارد.

۴ـ به وسیله بسیاری از انسانها رویت شده اند.

به آیاتی از قرآن کریم که وجود جن را مبرهن می داند اشاره می کنیم:

سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمده و به صف می رفتند.

(سروه نمل، آیه ۱۷)

برای خدا شریکانی از جن قرار دادند و حال آن که جن را خدا آفریده است.

(سوره ،انعام، آیه ۱۷)

بگو اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (سوره اسرا، آیه ۸۸)

سخن پروردگارت بر تو مقرر شد که جهنم را ازجن و انس انباشته می کنیم.

(سوره هود، آیه ۱۱۹)

ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از قطر آسمان و زمین بگذرید، بیرون روید ولی بیرون نتوانیدرفت مگر با قدرتی. (سوره الرحمن، آیه ۳۳)

مرحوم شیخ مفید در کتاب «ارشاد» آورده است: «در آثاری از ابن عباس نقل شده: زمانی که پیامبر اسلام (ص) به قصد جنگ با قبیله بنی مصطلق از مدینه خارج شد،هنگام شب به دره وحشتناک و صعب العبوری رسید. اواخر شب جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و خبر داد که طایفه ای از جن در وسط دره جمع شده و قصد مکر و شر و آزار و اذیت شما و اصحابتان را دارند». (ارشاد ص ۳۹۹)

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده : روزی حضرت رسول (ص) نشسته بود، مردی به خدمتشان رسید که بلندی قامتش مثل درخت خرما بود. سلام کرد، حضرت جواب داد و سپس فرمود: «خودش و کلامش شبیه جن است». سپس به او فرمود: کیستی؟ عرض کرد: من هام، پسر هیم، فرزند لاتیس، پسر ابلیس هستم (بحارالانوار ص ۸۳)

بانو حکیمه دختر امام کاظم (ع) گوید: «برادرم امام رضا (ع) را دیدم که جلو در اتاقی با کسی صحبت می کرد در حالی که تنها بود، عرض کردم: با چه کسی سخن می گویید؟ فرمودند: فردی از جن آمده تا مسائلی بپرسد و از چیزهایی شکایت کند»

(اصول کافی ص ۳۹۵)

علامه طباطبایی (ره) می فرمودند: «روزی آقای بحرینی که یکی‌از افراد معروف ومشهور در احضارجن واز متبحرین‌در علم‌ابجد و حساب مربعات بود در مجلس ماحضوریافت،چادری آوردند، دو طرفش را به دست من داد و دوطرف دیگر را به دستهای خود گرفت. این چادر به فاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در این حال جنیان را حاضر کرد، صدای غلغله و همهمه شدیدی از زیر چادر برخاست.چادر به شدت تکان می خورد چنان که نزدیک بود از دست ما خارج شود. من محکم نگهوداشته بودم، آدمکهایی به قامت دو وجب در زیرچادر بودند و بسیار ازدحام کرده وتکان می‌خوردند و رفت و آمد داشتند، من با کمال فراست متوجه بودم این صحنه،چشم بندی و صحنه سازی نبوده و صد درصد وقوع امر خارجی بوده است» (رجایی،تهرانی جن و شیطان ص ۴۷)

اینها شمه ای بود از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات که هر گونه شک و شبهه ای را در وجود واقعیت جن به یقین تبدیل می سازد.

جن چگونه موجودی است؟

به واقع جن چگونه‌موجودی است و آیا می توان توسط علوم پیشرفته امروزی آن‌را اثبات کرد؟جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است همان طور که بچه در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان بودنش از انظار و حس بشری است، که علت آن در ذات خلقتش نهفته است. قرآن کریم خلقت جن را چنین بیان می دارد:

و جان (که در بعضی از متون اسلامی آمده است، جان پدر جن است همان طور که آدم، پدر انسان) را پیشتر، از آتش زهرآگین آفریدیم. (سوره حجر، آیه ۲۷)

خدا انسان را از گل خشک شده ای چون خاک سفال آفرید و جنیان را از شعله ای بی دود. (سوره الرحمان، آیه ۱۴ و ۱۵)

مرا از آتش خلق کردی و او (انسان) را از گل آفریدی.

از این آیات در می یابیم که جن، آتش است و انسان از جنس خاک، و این چنین دریافت می شود که جنیان قبل از انسان خلق شده اند، و از آن جایی که هر دو ازماده آفریده شده اند پس مادی هستند، ولی دو تفاوت اساسی آنها را از سایرموجودات متمایز می سازد:

۱ـ می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای درآورند (آکام المرجان) (به استثنای پیامبران و ائمه معصوم و بنا به برخی روایات حتی احدی از شیعیان).

۲ـ از چشم موجودات دیگر پنهانند. ملاصدرا پنهان و آشکار شدن جن را با هوا قیاس می کند و این طور عنوان می دارد: «بدن های لطیف آنها در الطاف و نرمی متوسط بوده و از این رو آماده جدایی و یا گردآمدن هستند، چون گرد هم آیند قوام آنها بهتر گشته و مشاهده می گردند و چون جدا گردند قوامشان نازک و جسمشان لطیف می شود و از دیده پنهان می مانند، مانند هوا که وقتی ذراتش گرد هم می آیند غلیظ می شود و به صورت ابر در می‌آید و وقتی ذرات از هم جدامی شوند لطیف شده و دیده نمی شوند.» (ملاصدرا، مفاتیح الغیب)

همین ذات وجودی جنیان به آنها این امکان را می دهد که خود را به هر شکلی و با هر حجمی درآورند، چه به اندازه سرسوزن و چه در اندازه اتاقی بزرگ. آنها به واسطه همین ویژگی، بعد زمان برایشان معنا ندارد، و مسافتی را که بشر مدتها باید آن را طی کند، در لحظه ای می پیمایند و اعمالی را که از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند. عمده ترین علت شک و تردید در وجود آنان هم همین پنهان بودن از چشم انسانهاست، که البته از نظر علمی هم توجیه پذیر است. چرا که در جهان هستی چیزهای‌زیادی وجود دارد که به چشم ما قابل رویت نیستند ولی قدرتشان از نظر جسمی از انسان به مراتب بیشتر است، مثل الکترونها، امواج الکتریسیته، نورهای ماورای بنفش، اشعه ایکس، باکتریها و ویروسها، آمیب ها، جانداران تک سلولی و از همه مهمتر ذات اقداس الهی که دیده نمی شود ولی کدام عقل سلیمی می تواند آن را انکار کند؟ بنابراین صرف این که با حواس خود قادر نیستم آنان را درک کنیم، دلیل بر نبودن آنها نیست.

آیا جن ها برتر از انسانند؟

همه ما واژه «از ما بهتران» را به کرات شنیده ایم. این واژه در فرهنگ عامیانه ما اغلب برای جن به کار می رود ولی آیا واقعا این چنین است؟ آیا جن موجودی برتر از انسان است؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«و ما فرزندان آدم را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (سوره اسرا، آیه ۷۰)

و همچنین واجب شدن سجده شیطان و فرشتگان بر انسان نیز، خود دلیلی برای برتر بودن نوع انسان است در پیشگاه‌خداوند. یک انسان کامل بر همه موجودات‌برتری دارد و حتی بعضی از انسانها که راه برقراری ارتباط با جنیان را می دانند (مدیوم‌ها) می توانند بر آنها تسلط یابند. باز به قرآن کریم استناد می کنیم‌که می‌گوید:

«از پریان بودند که به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان از فرمان سرمی پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم. برای وی هر چه می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه‌هایی چون حوض و دیگهای محکم می ساختند. »

(سوره سبا، آیه ۱۲و ۱۳)

اگر چه قرآن کریم در مورد تسلط بر جن فقط از حضرت سلیمان یاد کرده است ولی در بسیاری از کشورها و حتی در کشور خودمان هم نمونه های زیادی دیده شده که اشخاصی با عنوان جن گیر و یا احضارکنندگان ارواح توانسته‌اند از آنها بهره گیرند، که البته در مبحثی جدا به آن خواهیم پرداخت.در هرحال باید دانست که‌در پیشگاه خداوند انسان، اشرف مخلوقات است و یک‌انسان کامل ومومن بر همه خلایق برتری دارد.

حیات و زیستن جن بر روی زمین چگونه است

بنا بر آیه کریمه قرآن: این موجود عجیب پیش از آفرینش انسان، خلق شده است.

(سوره حجر، آیه ۲۷)

جنیان از شعله های آتش آفریده شده اند. (سوره الرحمن، آیه ۱۴)

جنیان چون انسانها دسته دسته به دنیا آمده اند، تا زمان مرگ زندگی کرده و بعد به جهان آخرت خواهند رفت. (سروره فصلت، آیه ۲۵)

آنها نیز نر و ماده دارند. (سوره جن، آیه ۶)

آن ها نیز تمایلات نفسانی دارند. (سوره الرحمن، آیه ۵۶)

تعداد جنیان بیش از آدمیان است. (سوره انعام، آیه ۱۲۸)

همان طور که پیش از این گفته شد، جن موجودی است مادی که از آتش خلق شده است.از آنجایی که ماده است، بنابراین حیات دارد و از آنجایی که دارای حیات است و طبق آیات الهی زاد و ولد می کند پس نر و ماده دارد، خواب و خوراک دارد و پایان زندگی اش با مرگ توام است و باز بنا بر آیات کریمه، زندگی پس از مرگ نیز خواهد داشت‌که درمبحث دیگری به آن خواهیم پرداخت.

تغذیه جنیان

از آنجا که هر موجودی برای ادامه حیات خود احتیاج به تغذیه و خوراک داردجنیان نیز به طور قطع از چیزهایی تغذیه می کنند. چنان که «ابن بابویه» نقل کرده است: «گروهی از طایفه جن خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا چیزی برای خوردن به ماعطا فرما، حضرت هم استخوان‌وبازمانده غذا را به آنهاعطاکرد.»

(وسایل الشیعه، جلد۱، ص ۲۵۲)

و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «استخوان و ضایعات غذای جنیان است».

(وسایل الشیعه)

سخن گفتن جنیان

فطرت انسان به گونه ای است که او را محتاج به سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن با همنوعان خود ساخته است. از طرفی اصوات در حیوانات هم به طریق علمی و هم تجربی ثابت شده و همچنین در قرآن و روایات ذکر شده که بعضی از پیامبران (مانند حضرت نوح و سلیمان) زبان حیوانات را دانسته و می توانستند با آنها سخن گویند، در جنیان نیز به همین گونه است،از آنجایی‌که جنیان نیز مادی هستند و زندگی اجتماعی آنها ایجاب می کند که با یکدیگر سخن بگویند، پس به طور قطع و یقین آنها اصواتی برای انتقال مفاهیم به یکدیگر دارند ولی در فهم ما نیست.

البته کسانی می توانند به طریقی حرفهای آنها را دریابند و با آنها سخن گویند: چنانکه حضرت رسول و برخی از امامان با آنها صحبت می کردند و افرادی بنا برتواناییهای خاصی می توانند با آنها ارتباط برقرار کنند. (ارتباط دهندگان یا جن گیران)

از امام صادق (ع) نقل شده است : «روزی امیرالمومنین (ع) در کوفه برفراز منبر مشغول خطبه بود که ناگهان اژدهایی در حالی که به شدت به طرف مردم می دوید و آنها از او می گریختند پدیدار شد. حضرت فرمود: «راه را برای او باز کنید. » اژدها جلو آمد و از منبر بالا رفت و پاهای حضرت (ع) را بوسید و خود را به پاهای مبارک حضرت مالید و سه بار دمید،سپس پایین آمد و رفت و حضرت خطبه را ادامه داد. وقتی مردم توضیح خواستند ایشان فرمود: او مردی از جن بود که می گفت : فرزندش را یکی از انصار به نام جابر بن سمیع، بدون این که به او آزاری رسانده باشد با سنگ کشته است و اکنون خون فرزندش را می طلبید.» (بحارالانوار، ص ۱۷۲)

قابل ذکر است، دری که اژدها از آن وارد و خارج شده بود به «باب الثعبان» (درب اژدها) مشهور شد. پس از شهادت امیرالمونین (ع)، معاویه که نمی خواست ذکری از فضایل آن حضرت گفته شوددستور داد فیلی آوردند و به آن در بستند. آن‌قدر فیل را در آنجا نگاه داشت تا به باب‌الفیل مشهور شد و هم اکنون نیز، «باب الفیل» (درب فیل)نامیده می‌شود. (بحارالانوار،ص ۱۷۱)

مکان جنیان

از آنجایی که نوع خلقت جنیان با انسانها و حیوانات متفاوت است، واضح است که مکان زندگی آنها نیز متناسب با نوع خلقت آنها باشد، ولی آن مکانها کجاست. در بین عوام شایع است که زیرزمینها، جاهای تاریک و مرطوب مانند حمامها، چاهها و عمق جنگلها جایگاه جنیان است. اما بررسی ها حاکی از آن است که قطعا آنها در جایی زندگی می‌کنند که از انسانها به دور باشند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که: «در وادی شقره (بیابانی که رنگ خاکش سرخ مایل به زرد است) نمازنخوان، زیرا در آن جا منازل جن است.» (وسائل الشیعه، ص ۴۵۲)

قابل ذکر است یکی از معروفترین مساجد مکه با نام «مسجد الجن» در غرب شهر مکه محل نزول جنیان در مکه است و مستحب است حاجیان در آن مسجد رفته و دو رکعت نماز به جا آورند.

تولید مثل جنیان

آنچه مسلم است این است که بنابر ذات وجودی جنیان آنها نیز مانند انسان دارای غریزه جنسی بوده و توالد و تناسل دارند و لازمه ادامه و بقای نسلشان آمیزش جنس مونث و مذکر است، اما این سوال که آیا آنها هم مانند انسانها و یا سایر جانداران با عمل لقاح و تشکیل نطفه تولد می‌یابند، چیزی نیست که ازکلام‌خداوند بتوان استنباط کرد ولی ابن عربی در فتوحات گفته است: «تناسل بشر به القای آب نطفه در رحم است و تناسل جن به القای هوا در رحم اثنی (جنس ماده) می‌باشد». (جن و شیطان ص ۵۷)

روایتی است از بخشی از وصیت حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع) که فرمود: «ای علی، در شب اول، وسط و آخر ماه آمیزش مکن و... همانا جنیان دراین سه‌شب به‌پیش زنان خویش (برای مقاربت)می‌روند». (وسائل الشیعه، ص ۹۱)

در آیه‌ای برای وصف حوریان بهشتی‌آمده است: «حوریان بهشتی را قبل ازشوهرانشان، نه آدمی و نه جن دست زده است». (سوره الرحمن، آیه ۵۶ و ۷۴)

خواب جنیان

«الله خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست. زنده و پاینده است. نه خواب سبک او را در برمی گیرد و نه خواب سنگین». (سوره بقره، آیه ۲۵۵)

از حضرت صادق (ع) روایت است که می‌فرمایند: «به غیر از خداوند متعال همه خواب دارند، حتی فرشتگان». (میزان الحکمه، ص ۲۵)

و حدیثی است از رسول خدا(ص) که می‌فرمایند: «خواب به چهار گونه است، پیامبران به پشت می‌خوابند، مومنین به دست‌راست، کافرین و منافقین به دست‌چپ و شیاطین به‌رو می‌خوابند». (شیخ حر عاملی، ص۱۰۶۷)

آنچه از این مطالب می‌توان دریافت این است که به غیر ازذات اقدس الهی همه موجودات دارای خواب هستند.

مرگ جنیان

جنیان نیز مانند هر جانداری همان طور که دارای حیات هستند مرگ هم شامل حالشان می‌شود. چنان که در قرآن کریم آمده: «و بر آنها (خطا کاران) نیز همانند پیشینیانشان از جن و انس عذاب مقرر شد». (سوره فصلت، آیه ۲۵)

«به میان امتهایی که پیش از شما بوده اند، از جن و انس در آتش داخل شوید».

(سوره اعراف، آیه ۳۸)

از این آیات چنین برمی آید که نه تنها آنها هم مانند انسان مرگ دارند، بلکه مانند انسان از عقوبت خدا بر حذر نیستند.

تکالیف جنیان در مقابل ذات پروردگار

همان طور که در مباحث قبل گفتیم، انسان فرشته و جن سه موجودی هستند که بنابرمصلحت خداوندخلق شده اند و هدف از آفرینش آنها نیز عبادت پروردگار است. چنان که در قرآن کریم آمده است: «جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده ام».

(سوره ذاریات، آیه ۵۶)

ناصر خسرو نیز این طور می‌سراید:

داخل اندر دعوت او جن و انس   تا قیامت امتش هر نوع و جنس

جن نیز مانند انسان مختار است و حق انتخاب دارد و مانند ما در اجرای قوانین دینی مکلف است، چگونگی عبادت و اجرای احکام در میان آنها، مشخص نیست ولی آنچه مسلم است، این است که پیامبرانی که برای هدایت مخلوق برگزیده شده اند، جنیان را نیز هدایتگرند.

چنان که علامه طباطبایی (ره) فرمودند: «اتفاقا در این باره از خود جنیان هم سوال شده که آیا پیغمبر شما از جنس خود شماست؟ در پاسخ گفته اند: «پیامبران ما انسانند و اینک ما به رسالت حضرت ختمی مرتب ایمان آورده ایم و او را آخرین پیامبر می‌دانیم».

جن و شیطان از بسیاری از آیات، روایات و احادیث نیز اینطور استنباط می‌شود که بعضی از جنیان کافر و بعضی مسلمانند و حتی قبل از ظهور اسلام برخی از آنهایهودی بوده اند که بعد از اسلام به پیشگاه حضرت محمد(ص) آمده و مسلمان شده اند، و برای آنها عقوبتی همانند عقوبت انسانها در نظر گرفته می‌شود.

در قرآن آمده است: «بعضی از ما مسلمانند و بعضی از حق دور و آنان که اسلام آورده اندر جست و جوی راه راست بوده‌اند، اما آنان که از حق دورند هیزم جهنم خواهند بود و اگر بر طریق راست پایداری کنند، از آبی فراوان سیرابشان کنیم».

(سوره جن، آیه۱۴، ۱۵ و ۱۶)

از آیه این چنین برمی آید که جنها همانند انسان به گونه های ختلفند، بعضی کافر و بعضی فاسق و ظالم البته برخی نیز نیکوکار و صالح بوده و دارای عقاید مختلف و ادیان مختلف هستند.

در سوره احقاف آمده است که: «حضرت رسول (ص) پس از آن که از مکه به طایف رفت تا مردم را به سوی اسلام دعوت کند، کسی به دعوت او پاسخ مثبت نداد، در بازگشت به محلی رسید که آن را «وادی جن» می‌گفتند، شب را در آنجا ماند و به تلاوت آیات الهی مشغول شد، در آن هنگام گروهی از جنیان صدای صوت آن حضرت را شنیدند، پس از آنکه رسول اکرم (ص) از تلاوت فراغت یافت، جنیان به سوی قوم برگشتند و این طور مشاهدات خود را بازگو کردند: «ای قوم، کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده و تصدیق

کننده مطالب آن است و به حق و راستی هدایت می‌کند».

(سوره احقاف، آیه ۲۹ و ۳۰)

و روایت است که حتی برخی از جنیان از گروه شیعیان می‌باشند از آن جمله روایتی است که از ابوحمزه ثمالی نقل‌ده: «روزی جهت شرفیابی به حضور امام باقر (ع) اجازه خواستم، گفتند که عده‌ای خدمت آن حضرت هستند، لذا اندکی صبر کردم تا آنها خارج شوند. پس کسانی خارج شدند که آنها را نمی شناختم و غریب به نظرم آمدند. چون اجازه شرفیابی گرفتم، داخل شدم و به حضرت عرض کردم، فدایت شوم، الان زمان حکومت بنی امیه است و شمشیرهای آنها خونریز می‌باشد. امام فرمود: ای اباحمزه! اینان گروهی از شیعیان، از طایفه «جن»بودند و آمده بودند تا از مسائل دینی خود سئوال کنند». (جن و شیطان، ص۶۵)

آیافرشتگان و شیاطین از تبار جنیانند؟

همان طور که گفته شد بنا بر قرآن کریم سه موجود انسان، فرشته و جن دارای عقل شعورند و بنا بر مصلحت خداوند در صحنه گیتی ظاهر شدند و نامی از شیطان به طور مستقل به میان آورده نشده است. بنابراین شیطان یا باید از جنس فرشته باشد و یا از جنس جن. بهتر است باز از قرآن کریم مدد بگیریم:

«آن گاه که به فرشتگان گفتیم تا آدم را سجده کنید، همه جز ابلیس که از جن بود و ازفرمان پرودگارش سربرتافت سجده کردند».

(سوره کهف، آیه ۵۰)

همچنین خداوند در قرآن کریم فرشتگان را معصوم و مبرا از خطا و گناه دانسته: «فرشتگان هرگز نافرمانی خدا را نمی کنند و همان کاری را می‌کنند که به آن مامور شده اند». (سوره تحریم، آیه ۶)

و بنا به روایتی از رسول خدا(ص): «فرشتگان از نور آفریده شده اند».

بنابراین ابلیس که بزرگترین خطا را در درگاه خداوند مرتکب شده هرگز نمی تواند از جنس فرشته باشد. (اگر چه با همه این مستندات هنوز در بین علمای اسلامی در نوع خلقت ذاتی شیطان اختلاف نظر وجود دارد.)

ارواح شریر کدامند و چه تفاوتی با جن دارند؟

مطالعات بر روی آثار بشر بدوی از قبیل نقاشی ها و کنده کاریهای غارها نشان می‌دهد که انسان از ابتدای آفرینش وجود موجوداتی غیر از خود را در محیط پیرامونش حس کرده است. موجوداتی که ترس، وحشت و حتی نوعی پرستش و کرنش را در آنها ایجاد می‌کرده است. پس از اختراع زبان و خط، هر قوم و قبیله ای نامی برآنان گذاردند و برای ارتباط یا دفع آنان آدابی را برای خود قائل

شدند و این آداب نسل به نسل تداوم یافت چنان که امروز هنوز در افریقا رسومی با همان روش سنتی برای ارتباط با این موجودات و یا دفع آنان صورت می‌گیرد.

به عنوان مثال در آیین مسیحیت، جن گیری یک سابقه دیرینه دارد که اغلب کشیش ها اقدام به آن می‌کنند و در واقع معتقدند که شیطان در قالب جسم فردی رسوخ می‌کند. البته تقریبا به غیر از مسلمانان همگی این موجودات را ارواح شریرمی‌نامند و برای‌دفع شر آنان اعتقادات مخصوص به خود دارند. مثلا برخی از اروپاییان امروزی بر مبنای یک تفکرسنتی وقتی در خیابان راه می‌روند دستهای خود را تکان می‌دهند تا از ارواح شریر دور بمانند و یا در روز معینی از سال مراسمی برپا می‌کنند که در آن عده ای بسیار از مردم لباسی شبیه به لباس اتاق عمل می‌پوشند، بوقی دردست می‌گیرند و در آن می‌دمند. اما بنا بر اعتقادات مسلمانان تنها موجودات ماوراؤالطبیعه فرشته ها و جن ها هستند و روح انسان وقتی کاملا از بدن انسان خارج شود، نه تنها قدرتی ندارد بلکه انسان هم نمی تواند هیچ گونه تسلطی برآن داشته باشد، مگر به خواست خداوند.

در کتاب «ارتباط با ارواح» این طور آمده: «تسلط ارواح عقب مانده بر انسانها را در اصطلاح عامیانه «جن زدگی» می‌گویند که در واقع به همان مفهوم افسون و تسخیر است. ما استفاده از این اصطلاحات را به دو علت صلاح نمی دانیم؛ اول این که، جن واژه ای است مخصوص موجودات هوشمندکه برطبق روایتی عامیانه معمولا برای ایجاد شر خلق گشته اند، و همواره محکوم به بدی کردن می‌باشند حال آنکه هیچ موجودی به خاطر بدی کردن آفریده نمی شود، مشیت پروردگار چنان است که راه تکامل و تعالی همواره‌به‌روی تمام موجودات هوشمندباز باشد.دوم این که اصطلاح «جن زدگی» غالبا بدین معنی به کار می‌رود که جسم شخص جن زده را یک جن دیگر و یا روح متصرف شود. یعنی در واقع دو نوع سکونت در قالب یک بدن و این فقط یک نوع استثناست نه یک تصرف یا دشمنی و آزار، بدین جهت واژه جن زدگی به مفهوم عامیانه آن برای ما قابل قبول نیست».

آنچه از این متون و بسیاری از متون دیگر برمی‌آید این است که واژه «جن» در فرهنگ های دیگر نیز وجود دارد ولی عموما آن را شیطان و یا ارواح شریر می‌نامند. در حالی که ما مسلمانان معتقدیم که در میان جنیان، جن صالح و نیکوکار نیز وجود دارد.

اسماعیل حسین زاده سرابی در کتاب «سیمای جن»این طور می‌نویسد: «سالها پیش در مشهد مسئله احضار روح غوغایی عجیب به راه انداخته بود تا این که دو نفر از علمای معتبر مشهد خواستار شرکت در آن مجلس شدند و پس از حضور، از نزدیک جریان حرکت میز را مشاهده کردند. در جلسه دیگر یکی از آن دو درخواست کرد که میز (مقصود میز مخصوص احضار روح است که روی آن همه حرفها نوشته شده و جنها توسط اشاره ای میز راتکان می‌دهند تا روی حرف مورد نظر بایستد) را بگردانند، این عالم چون دارای علوم و معنویت خاصی بود و راه مکالمه صحیح با موجودات نامرئی را بلد بود، گرداننده میز را به اسمایی که حضرت سلیمان (ع) می‌دانست و با

آن اسما جنیان را مسخر کرده بود، قسم داده و پرسیده بود: شما روح انسان هستید یا موجودی دیگر؟ و شروع به خواندن حروف الفبا کرده در نهایت این جمله ها حاصل شد:

«من جن هستم». زمردیان نیز در کتاب «شیطان کیست» می‌گوید: «مدتهاست (ارتباط گیرندگان با روح) با وسیله های گوناگون با جن تماس می‌گیرند... البته جن خود را به آنها با نام روح یکی از افراد معرفی می‌کند و آنها بر این باورند که با روح آدمی تماس گرفته اند، در حالی که اغلب تماس آنها با جن و شیطان است.»

آیا جن علم غیب دارد

قابلیت‌های موجود در جن که ناشی از نوع خلقتش می‌باشد (مانند پنهان بودن ازچشم، طی مسافت کردن و غیره) این تصور را در ذهن انسانها ایجاد می‌کند که این موجودات از عالم غیب آگاهند. البته بسیاری از ارتباط برقرارکنندگان آگاهانه به قصد سوؤاستفاده و فریب مردم و یا ناآگاهانه به این باورها دامن زده اند، ولی حقیقت آن است که تنها خداوند است که آگاه به غیب می‌باشد و لاغیر، چنان چه می‌فرماید:

«خداوند دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از اوخشنود باشد». و البته بسیار دیده شده در جریان همین احضار روح که ما آن را احضار جن می‌دانیم، جنیان توانسته اند پاسخ های درست و مناسبی را ارائه دهندکه آن را نباید ناشی از علم غیب آنان دانست، زیرا جنها از آنجایی که به راحتی می‌توانند طی طریق کنند، می‌توانند از همنوعان خود که در جریان ماجرا قرار دارند پاسخ را جویان شده و به شخص رابط اطلاع دهند و یا از امکانات دیگری استفاده کنند که ما از آن بی خبریم. به هر حال علم غیب چه برای انسان و چه برای جن منتفی است مگر برای عده‌ای‌خاص که ازطرف خداوند این توانای برایشان ممکن می‌شود.

تکشاخ

تکشاخ موجودی افسانه‌ای است با هیکلی شبیه به اسب ولی لاغرتر از آن که یک شاخ ـ معمولاً مارپیچ ـ از پیشانی‌اش روییده. دربارهٔ نحوهٔ پیدایش این موجود افسانه‌ای فرضیات متفاوتی وجود دارد. اولین اشارات به چنین موجودی حدود ۲۵۰۰ سال قبل در آثار تاریخ طبیعی در یونان باستان پیدا می‌شود. در حال حاضر تکشاخ در افسانه‌هایی از مناطق مختلف جهان حضور دارد. می‌گویند فقط زنان باکره می‌توانند تکشاخ را رام کنند.

گرگمرد

گرگمرد موجودی افسانه‌ای و از خرافات مردم اروپا است. گرگمرد انسانی است که شب‌هایی که ماه کامل است (ماه شب چهارده) به صورت گرگ درمی‌آید. چنین شخصی یا از راه بکار بردن افسون و جادو و یا در پی طلسم شدن از سوی کس دیگر تبدیل به گرگمرد می‌شود. ساده‌ترین راه برهنه شدن و بستن کمربندی از جنس پوست گرگ، و یا پوشیدن پوست کامل حیوان است. اگر یک گرگمرد طوری کسی را گاز بگیرد که بزاقش وارد جریان خون شخص شود، قربانی هم به گرگمرد تبدیل می‌شود. اصطلاح دیگری که در این رابطه بکار می‌رود اصطلاح گرگ‌دیسی و گرگینه است.

گرگ‌دیسی

گرگ‌دیسی به توانایی انسان در تبدیل شدن به گرگ که در باورهای خرافی عوام یا افسانه‌های اروپایی میسر پنداشته می‌شود می‌گویند.

زیلانت نام موجودی تخیلی در فرهنگ عوام تاتار و روس است.

در این باور، زیلانت ماری بالدار و موجودی بین اژدها و خزنده افسانه‌ای، ویورن (wyvern) است. زیلانت در افسانه‌های مربوط به بنیادگذاری شهر قازان، پایتخت تاتارستان، ذکر شده و از سال ۱۷۳۰ میلادی نشان و نماد شهر قازان است.
روس‌ها این موجود را زیلانت می‌نامند که از واژه تاتاری یلان (yılan) به معنی مار گرفته شده ولی خود تاتارها برای نامیدن آن از واژه فارسی اژدها استفاده می‌کنند. بنا بر باور عامیانه تاتاری هر ماری که سنش از صد سال بگذرد اژدها می‌شود.

خون‌آشام

در افسانه‌ها و خرافات مردم اروپا، خون‌آشام جنازه‌ای زنده است که شب‌ها از گور بیرون آمده و برای تغذیه خود از خون مردم می‌مکد. در این تخیلات، خون‌آشام‌ها دندان‌های نیش‌بلندی دارند که با آن‌ها از گردن زندگان خون می‌مکند، و معمولاً دارای قدرت‌های فوق بشری از جمله زندگی جاوید هستند. در داستان‌های زیادی خون‌آشام‌ها مردم را به بردگی می‌کشند و خود آنها را نیز به خون آشام تبدیل می‌کنند. رسم بر این است که برای دور کردن خون آشام‌ها طلسم‌های ویژه‌ای استفاده شود. برای کشتن او باید سرش را از تن جدا کرد و میخی بلند را به قلب او فرو کرد. خون‌آشام‌ها از عقاید خرافی به ادبیات کلاسیک و مدرن جهان وارد شده‌اند و امروزه کتابها و فیلم‌های فروانی با داستانهای متفاوت در مورد آنها ساخته می‌شود. مشهورترین شخصیت خون‌آشام در عرصهٔ ادبیات، دراکولا نام دارد که زادهٔ ذهن برام استوکر نویسندهٔ بریتانیایی است.